

گفت‌وگو با دکتر ناظمی قره‌باغ مدیر مدرسه عالی روزگار نو

بصری کردن امر قدسی؛ مزیت‌ها و چالش‌ها

امید حسینی‌نژاد



موضوع وجود استعاره در قرآن کریم،وفهم آن یکی از موضوع‌هایی است که از دیر باز در بین فرق اسلامی مطرح بوده‌است. برخی با نگاهی عقلی در پی کشف مفاهیم استعاری قرآن کریم بوده‌اند و برخی دیگر راهی برای فهم آن نمی‌دیده‌اندو به‌ظواهر آن تکیه می‌کرده‌اند. در ۲ قرن اخیر با رشد نگاه‌های جدید نقد ادبی وبررسی زبیبای شناسانه‌متون بر اساس رویکرد‌های جدید غربی، با پژوهش در باره مفهوم‌واژه استعاره وارد مرحله جدیدی شد. در زبان شناختی استعاره جایگاه ویژه‌ای دارد. اندیشمندان این حوزه حتی بسیاری از جملات روزمره را که برای ماعادی شده‌است و متوجه‌استعاره‌های به‌کار برده

شده در آن نیستیم، را بانگاه‌های استعاری فهم می‌کنند. جورج لیکاف، زبان‌شناس انگلیسی، اولین کسی است که استعاره مفهومی را وارد مطالعات زبان‌شناسی‌شناختی کرد.نظریه‌معاصر ادعای کند نظام ادراکی انسان اساس سרشتی استعاری دارد و استعاره به شکل ناخودآگاه و غیراختیاری، در زندگی روزمره انسان فراوان به کار می‌رود. این دیدگاه نخستین بار در سال ۱۹۸۰ از سوی جورج لیکاف و مارک جانسون با انتشار کتاب «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم» مطرح شد.

قرآن کریم نیز مملو از استعاره است. اما لازم است بین ۲ نوع استعاره تمایز نهیم. از یک سو، استعاره‌هایی وجود دارد که اهمیتشان سبکی ونمادین است-مثل «بال فروتنی» یا «صبح، چون دمیدن گیرد» (تکویر: ۱۸)-و می‌توان آن‌ها را نمونه‌های اعجاز یا سبک تقلید‌ناپذیر قرآن دانست. از سوی دیگر، تعابیری وجود دارد که بسته به موضع کلای یا مسلک مفسر ممکن است استعاری دانسته شود یا نشود. نمونه‌های برجسته این مقوله دوم تعابیری قرآنی است که اوصاف جسمانی با اعمال ذهنی یا عاطفی را به خدانسبت می‌دهند. این مسئله سبب مجادلات بسیاری در بین فرق اسلامی و گاهی منتهی به تکفیر فرد یا گروهی شده‌است.

دکتر مهدی ناظمی قره باغ، مدیر مدرسه عالی علوم انسانی روزگار نو، سال‌هاست که در حوزه‌های فلسفه و هنر قلم می‌زند و نوشتار و گفتارهایی از او در برخی مجلات و شبکه‌های مجازی منتشر شده‌است. در این گفت‌وگو با دکتر ناظمی به زوایای موضوع بصری کردن مفاهیم قدسی که در متون مقدس نقل شده‌است می‌پردازیم. مسئله اصلی ما این است که این بصری کردن تا چه اندازه به فهم این متون کمک می‌کند؟

● استعاره یکی از مفاهیمی است که از دیرباز در فرهنگ یونانی تا ادبیات عربی مورد توجه اندیشمندان بوده‌است. این مفهوم تا چه اندازه در بستر زندگی ما کاربرد دارد؟

استعاره بخش مهمی از ارتباط‌های گفتاری و کلای ما را تشکیل می‌دهد و آن قدر طبیعی وارد زندگی ما می‌شود که ممکن است در عمل جلب توجه نکند؛

از این روبررسی وتحلیل آن از زاویه زبان‌شناسی شناختی موضوع درخور توجهی است. در گذشته، استعاره فقط در شعر و خطابه و ادبیات در کنار صناعات ادبی مانندسجع وتثبیه وتمثیل مطرح می‌شده‌است؛ اما با این رویکرد می‌توان ثابت کرد که حوزه استعاره تنها به امور بلاغی (آرایه‌های ادبی) محدود نمی‌شود و استعاره‌های فراوانی در زبان روزمره به کار می‌رود، به گونه‌ای که می‌توان گفت نظام مفهومی روزانه ما مهیتی استعاری دارد. به عبارت دیگر، با بررسی استعاره در حوزه‌واژگان و اندیشه ثابت می‌شود زبان روزمره ماسرشار از مفاهیم استعاری است. از دیدگاه معاصر، استعاره ابزاری است که در همه سطوح زبان، هم سطح بلاغی (ادبی) و هم تقریباً در تمام جنبه‌های گفتار مطرح است و این اهمیت با رویکرد شناختی و از دیدگاه نظریه معاصر استعاره بیشتر نمایان می‌شود.

در نظریه معاصر استعاره بر این نکته تأکید می‌شود که بسیاری از مفاهیم انتزاعی دارای ساختی استعاری هستند و در بسیاری موارد ممکن است این استعاره‌ها در سطح زبان آشکار نشوند؛ اما به هر حال بر مفاهیم حاکم اند و استعاره در معنای شناختی آن، پلی برای درک مفاهیم انتزاعی است. این نظریه همچنین مدعی جهانی بودن استعاره‌هاست و دلیل آن، تجربه‌های مشترک جسمی همه انسان‌هاست.

● نگاه هنری به قرآن وبررسی نکات زیبایی‌شناختی قرآن از چه زمانی شروع شد؟

قرآن پژوهان مسلمان، پژوهش در باره ساخت زبانی قرآن کریم وبررسی جنبه‌های زیبا شناختی آن را از قرن دوم آغاز کردند. بررسی مجازها، تشبیهات، استعاره‌ها و زبان قرآن، از دغدغه‌های مسلمانان قرن‌های نخست اسلامی بوده‌است. بررسی جنبه‌های بیانی اعجازی، در آثاری چون «النکت فی اعجاز القرآن» از خطابی، «اعجاز القرآن» از رمانی، «دلائل الاعجاز» از جرجانی نمونه‌هایی از این تلاش است. در عصر حاضر نیز، اشخاصی همچون سید قطب، محمد صادق الرفاعی و عایشه بنت الشاطی، به جنبه‌های تصویرپردازی در قرآن پرداخته‌اند که این آثار، گواه رویکرد آنان به قرآن از جنبه‌های زیباشناختی وبررسی تصویرسازی هنری در قرآن است.

● تصویرسازی در قرآن کریم کاربرد فراوانی دارد. به نظر شما این

موضوع تا چه اندازه می‌تواند در انتقال مفاهیم تأثیرگذار باشد؟

بی تردید، بیان اهداف و مقاصد قرآن از طریق تصویرهای بیانی وهنری، یکی از جلوه‌های اعجاز آن ونمونه‌ای از تحدی‌هایی است که خداوند به واسطه‌آن، اعراب را به مبارزه طلبید و آنان را ناتوان ساخت. قرآن کریم در زمینه تصویر بیانی در ارائه خود را دارد. قرآن در این راه به برانگیختن افکار برای اقناع بسنده نمی‌کند، بلکه با استفاده از تمام توانایی‌های لفظ و بهره‌گیری از همه شیوه‌ها وجدان خواننده و شنونده را تا سطح بالایی برمی‌انگیزاند و او را کاملاً تحت تأثیر آیات قرار

می‌دهد. «حرکت» از ویژگی‌های تصویر قرآنی است که در تصویر معانی ذهنی، حالات روانی و تصویر روایی، ضرب‌المثل‌ها، رخدادها و صحنه‌های قیامت به کار رفته‌است. زیبایی آوایی وزیبایی بصری، با هم

در حرکت متجلی می‌شوند و بدین وسیله، تصویر قرآنی تمایز یافته‌است. معانی ذهنی، صحنه‌ها و انفعال‌های روانی به صحنه‌های زنده، متحرک و پویا ارجاع داده می‌شود. گویی افرادی هستند که حرکت می‌کنند و سخن می‌گویند حتی بر صحنه‌های ساکت و آرام کیهانی، ویژگی حیات و حرکت بخشیده و به صورت موجودی زنده و گویا تصویر می‌شوند. بدین ترتیب، «حرکت» یکی از جلوه‌های حیات وهستی و یکی از ویژگی‌های تصویر در قرآن کریم است، هم جلوه کیهانی است و هم جلوه هنری.

● یکی از حوزه‌های جدیدی که در عرصه مطالعات هنر قرآنی وارد شده مسئله دراماتورژی قرآن است. شما نیز در این زمینه نکاتی را به صورت مکتوب بیان کرده‌اید.

لطفاً کمی درباره این مفهوم توضیح دهید. معنای ساده و واضح دراماتورژی درام‌سازی یا درام‌پردازی است؛ یعنی چطور بر اساس یک قصه، یک متن یا یک تصویر، درامی را بسازیم. این درام می‌تواند در قالب یک نمایشنامه یا در قالب فیلم‌نامه عرضه شود یا فیلم‌نامه‌ای داستانی یا غیرداستانی باشد. در دراماتورژی ما باید به جنبه‌های مختلفی فکر کنیم مثلاً اینکه مفهومی که می‌خواهیم از یک نمایشنامه یا از یک ایده

یا هر جای دیگر بگیریم یا آن تصویری که می‌خواهیم به درام تبدیلش کنیم چطور متناسب

بشود با زمانه و مخاطب ما و چطور



بتوانند در هر دوره اثر خود را بگذارد. مینا و کار دراماتورژی قرآن بر این است که مآقرآن رایک منبع برای درام پردازی قرار دهیم. در قرآن داستان داریم، تمثیل و استعاره داریم، در قرآن مفاهیم متعدد اخلاقی سیاسی واجتماعی داریم که همه این‌ها می‌تواند به عنوان یک منبع قرار بگیرد و درام نویس به آن مراجعه بکند و از آن برای خلق اثر استفاده کند، حال این اثر می‌تواند یک درام تاریخی باشد مثل سریال یوسف پیامبر، می‌تواند یک درام سیاسی واجتماعی امروزی باشد که یک مفهوم قرآنی یا یک تصویر قرآنی یا یک داستان قرآنی آشخوړ نویسنده یا کارگردان اثر بوده و متناسب با شرایط امروزه عرضه شده‌است. یعنی اگر یک شخص بیاید و داستان یوسف‌زمانه را بنویسد باز هم آن درام قرآنی می‌نامیم. پس دراماتورژی قرآن، هم شامل آثار تاریخی می‌شود، آثار کی به بر مبنای قصه‌های قرآنی تهیه شده‌اند و هم شامل آن کارهایی می‌شود که با نگاه بر

مفاهیم و اقتباس از قصه‌های قرآن نوشته شده‌اند، البته حیطه و گستره دراماتورژی از آن چیزی که به آن اقتباس گفته می‌شود گسترده‌تر است. اقتباس در واقع بخشی از دراماتورژی است.

● به نظر شما بصری کردن مفاهیم دینی و انتزاعی تا چه اندازه به فهم آن کمک می‌کند؟ آیا بصری کردن سبب محدودیت معنایی نمی‌شود؟

در عالم اسلام و قرآن در فرهنگ شاعرانه متولد می‌شود و در رقابت با آن‌ها خودش را اثبات می‌کند و با یک زمینه‌کلامی معجزه بودن خودش را ثبت می‌کند؛ بعد از بسط اسلام در هیچ فرهنگی صرف ونحو به اندازه فرهنگ عربی مهم نیست و می‌توان گفت حتی صرف ونحو از عربی به دیگر زبان‌ها انتقال یافته‌است. بعد از اسلام شعر عرب اقول می‌کند اما در ایران بزرگ‌ترین شاعران جهان ظهور پیدا می‌کنند و در شعر ما مسئله سمع وبصر بیان می‌شود که مولوی بیشتر از همه به این دو ارتباط میانشان پرداخته‌است. مولوی معتقد است فهم و ادراک انسان چون با زبان دشنی است و اصل زبان سرچشمه در شنیدن دارد؛ بنابراین زبان به مسئله اصلی تفکر تبدیل می‌شود.

در سوره روم خداوند در خلق ازواج از انفاس برای قومی که تفکر می‌کنند اشاره می‌کند؛ در آیه‌ای دیگر در همین سوره روم به اختلاف و آمد و شد زمین و آسمان اشاره می‌کند که آن را آیاتی برای عالمان می‌داند یا آمده‌است «وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَافِكُمُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَآيَاتُهُ لَكُمْ مِنْ فَضْلِهِ. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» وبعد از این آیات انسان منتظر آیه‌ای برای یُصِرُّونَ و اهل بصیرت است اما در آیه ۲۴ سوره روم آمده‌است که «وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْفَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِنْ ثَمَرِ الشِّمَاءِ فَاءٌ فَيْحِيهِ بِهٖ الْأَرْضُ بِغَدِّ مَوْتِهَا. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» و اشاره به رؤیت دارد و آن را مقدمه تعقل می‌داند و اینجا مناسبتی بین رؤیت و عقل وجود دارد که این مناسبت بین رؤیت و تفکر نباشد.

راه‌ادراک اولیه ما برای فهم تقدس و ماوراد برین حواس پنج‌گانه بیشتر سمع است و به همین دلیل فرآیندی که بصری شدن فرهنگ وفکر انسان از دوره یونان باستان تا به امروز دنبال کرده، فرایندی است که به این امر قدسی آسیب زده و کمک نکرده‌است. چون امر قدسی بالاترین رتبه‌ای است که انسان با آن درگیر است امر مبصر باید دست به عصا حرکت کند و اولویت باید با وجه سمعی و مسموع باشد.



جاهلی در تمدن اسلامی، از اصلی‌ترین کتب کلاسیک جهان واز معتبرترین منابع تحقیقی تطبیقی استفاده شده‌و استناد همه دین‌پژوهانی است که در زمینه مردم‌نگاری دین‌ومذاهب، فرهنگ‌شناسی عرفی مردم و فرهنگ عامه‌شناسی در جوامع اسلامی و ایران تحقیق می‌کنند. این کتاب نتیجه پژوهش‌های میدانی و کتابخانه‌ای طولانی مدت نویسنده در فرهنگ رفتاری و عقاید و باورها و مناسک دینی سنتی مردم مراکش و

کشور مراکش گذشت. ادوارد وسترمارک

در پژوهش‌های میدانی خود کوشید به شماری از سنت‌های کهن قبیله‌ای و رفتارها و باورها و اعمال شرک آمیزی دست یابد که پس از ورود و گسترش اسلام در سرزمین‌های آفریقایی و گرویدن آفریقایی‌های کافر به ویژه بر بره‌ها به اسلام، هنوز میان آن‌ها بازمانده یا با سنت‌های مذهبی دین جدیدشان، اسلام، در آمیخته شده بودند.

کتاب بازمانده‌هایی از فرهنگ دوران

روزنامه شهرامید ورزش‌دگی

شنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۱ ۲۱ خرداد ۱۳۹۲ ۲۳ خرداد ۱۳۹۲

SHAHRAHNEWS.IR

۱۳

↓

اندیشه

بحران‌های اقتصادی نشر کتاب و راهکارهای عبور از آن



مجدد غلامی نویسنده پژوهشگر و ناشر

اقتصاد نشر در ۲۰ سال گذشته فراز و فرودهای فراوانی داشته‌است، اما در چند نقطه تاریخ شکستگی‌هایش کمرشکن وعیان بوده‌است. شاید اولین آن‌ها هم زمان با جنگ جهانی اول و تجا و نیروهای متخاصم از شمال وجنوب ایران بود که بحران‌های سیاسی واقتصادی سنگینی بر ایران متحمل کرد و از آن جمله کمبود کاغذ و تعطیلی چاپخانه‌ها و گرانی قیمت کتاب بود. ناشران و کتاب فروشان نیز از این مشکلات مستثنانبودند و خطر ورشکستگی به طرز وحشتناکی بر گریبان این قشر چنگ زد. جالب توجه آنکه این بحران هاتمام شد و کم نبودند ناشران و کتاب فروشانی که در این مهلکه از حرکت باز ایستادند و البته کسانی که به یمن پشتوانه قوی مالی یا برنامه‌های صحیح گذر از بحران در چنین مواقعی ثبت وضبط نشده‌است و در اختیار نیست. محمود کاشی چی نیز در اواخر دهه ۳۰ ترنندهای جالبی برای فروش کتاب‌های انتشارات گوتنبرگ به خرج داده‌است که برخی این ترنندهارا بسیار بازاری و حتی مضربه حال نشر می‌دانستند و به مخالفت با آن پرداختند و جلوبرخی را نیز گرفتند. اما نتیجه آن برای گوتنبرگ بسیار خوب و پرفایده بود و کمک کرد این انتشارات، بحران آن دوره را پشت سر بگذارد. فروش کیلویی کتاب از جمله ابتکاراتی بود که کاشی چی انجام داد. اومحاسبه کرده بود که یک کیلو کتاب در آن زمان به‌طور متوسط ۱۰ تومان هزینه برمی‌دارد، پس تصمیم گرفت که مجموعه کتاب‌های کتاب فروشی گوتنبرگ را کیلویی ۱۰ تومان بفروشد، یعنی با ۲۰ درصد سود. انتشار کتاب‌های کم‌ورق نیز از دیگر ابتکارات محمود کاشی چی بود. کتاب‌هایی که در فرم چاپی ۸ ورقی (۱۴ صفحه) چاپ یا با چاپ می‌شدند و با قیمت ۵ ریال به دست خوانندگان می‌رسید. البته که کاشی چی برای اینکه قیمت کتاب را پایین آورد، شمارگان را نیز گاه تا ۲۰ هزار نسخه افزایش می‌داد و تبلیغ فراوان اعلام می‌کرد که این کتاب‌های ارزان تر از حتی آدم‌سرا، مردم بیابند و بخزند. از جمله ابتکارات حسن معرفت، مدیر انتشارات معرفت، هم فروش ششانی کتاب با پاکت نامه‌های ۲ تومانی بود. پاکت‌های در بسته‌ای که نام کتابی در آن نهاده شده بود و علاقه‌مندان و خوانندگان کتاب فقط با دادن ۲ تومان شانس این را داشتند که مثلاً یک کتاب ۱۰ تومانی نیز برنده شوند. امروز و در این مقطع کنونی که کاغذ به قیمت هفتگونی رسیده و هزینه‌های انتشار کتاب بیش از هر زمان افزایش پیدا کرده و بسیاری از چاپخانه‌ها و ناشران و کتاب فروشی‌ها در شرف ورشکستگی وتعطیلی است، چقدر خوب بود اگر با همدلی وهم‌فکری اصحاب فرهنگ، راهکارهایی عملی و کارگشایباری عبور از بحران شناسایی و به کار گرفته می‌شد. زیرا تاوان این رکود از دست دادن چند نسل کتاب‌خوان بعدی بود. تاوان این رکود از دست دادن چند نسل کتاب‌خوان بعدی است که نتیجه‌اش جامعه‌ای کتاب‌نخوان تر از جامعه کنونی در آینده نه چندان دور است.

نگاهی نقادانه به سخنی مشهور

در نوشتاری از یکی از معاصران که گاه در مقولات درباره اندیشه دینی قلم می‌فرساید، خواندم: «روایت مشهوری از پیامبر اکرم (ص) وارد شده‌است که «بنی‌الاسلام علی کلمتین: کلمة التوحید و توحید الکلمة.»

این سخن سخت درنگ انگیز می‌نماید. «بنی‌الاسلام علی کلمتین: کلمة التوحید و توحید الکلمة»، سخن مشهوری است؛ اما به‌وارونه‌پندار این نویسنده هم روزگار ما نیز شماری از دیگر گویندگان و نویسندگان رسمی دینی، «حدیث» نیست؛ بلکه سخنی است از یکی از عالمان نامی سده گذشته که شماری از دانشوران این عصر آن را پسندیده و در گفتارها و نوشتارهای خویش واگویه کرده‌اند.

آیت‌... حاج شیخ جعفر سبحانی که بدین سخن دل بستگی ویژه‌ای دارد و آن را بارها در تضاعیف‌نوشتارهای خویش به کار گرفته‌است، در آغاز رساله التوحید و الشکر فی القرآن الکریم به صراحت نوشته‌است: «و فتفتح المقال بکلمة مباركة مأثورة عن الأکابر وهی: بنی‌الاسلام علی دعامتین: کلمة التوحید و توحید الکلمة.»

نام برده در یکی دیگر از نوشتارهای خود با تصریح به نام قائل آورده‌است: «و اوضحنا الیه کلمات المفکرین الشیعة لجنا برسالة خاصة، و یکفی فی ذلک قول المصلح الکبیر الشیخ محمد حسین کاشف الغطاء: «بنی‌الاسلام علی دعامتین: کلمة التوحید و توحید الکلمة.»

آری. اصل این سخن زبانه، و لولباتفاوتی در تعبیر، از مرحوم علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء است.

فارغ از مسئله کیستی گوینده و «حدیث نبودن عبارتی که گفت و گو شد و با حفظ حرمت همه دانشوران و صاحب قلمان نه چندان اندک شماری که این عبارت را پذیرفتارانه و به‌مثابت یکی از مقبولات مشهورات-احیاناً با برخی تصرفات- در ضمن مکتوبات گنج‌ناید و بدان گواهی جسته‌اند، به گمان این کمین خادم کتاب و سنت- عفا... عنه!- مضمون آن نیز مضمون چندان درست یا درست کم‌دقیقی نیست. این سخن، چه‌در پیدایی و چه‌در روایی‌اش، و امداً رآیه‌بندی ادیبانه آن است و کیست که نداند این گونه آرایه‌بندی‌ها و آرایه‌مندی‌ها در تاریخ فکر و فرهنگ ما چه‌ساحری‌ها کرده و دیدگان توده سجع دوست‌وچنان‌پسند و قافیه‌اندیش مارا در غیاب خردورزی بُرای ناقدانه چه‌سان خیره گردانیده‌است.

الغرض، تا آنجا که من می‌دانم و درمی‌یابم، «بنی‌الاسلام علی کلمتین: کلمة التوحید و توحید الکلمة» نه حدیث نبوی مشهور است و نه از بن- حدیث نبوی است و نه حتی سخنی پذیرفتنی؛ و ا... سبحانہ و تعالی!- اعلم و علمه آنم و احکم.

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

